

مقاله پژوهشی: رفتارشناسی نظامی آمریکا

(مطالعه موردی مقطع ۱۳۳۲ الی ۱۳۵۷ ش)

منوچهر شریفی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۵

چکیده

رفتار نظامی آمریکا در مقطع ۱۳۳۲ الی ۱۳۵۷ تابع مولفه های جنگ سرد بود، بر این اساس آمریکا چاره ای نداشت جز مدیریت و کنترل نظامی ایران برای ایجاد تعادل در موازنه جنگ سرد لذا آمریکا کلیه اقدامات خود را بکار گرفت تا بتواند ایران را در حوزه نظامی با خود همراه سازد. در این مقاله محقق بر آن است تا در راستای جهاد تبیین، رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم را بررسی نماید لذا سؤال تحقیق این گونه طرح می شود، رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم چگونه بوده است؟ تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مدل کیفی با رویکرد تبیین گری اختیار عاقلانه و ساختاری-علی، محورها و مصداق های رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی مبتنی بر اسناد و مدارک متقن مورد توجه و مذاقه قرار می گیرد، برابر نتایج بدست آمده؛ آمریکا برای کنترل و مدیریت حوزه نظامی دوره پهلوی، به جهت ساختار حکومت استبدادی که عمده قدرت در اختیار حاکم است، تمرکز خود را با اولویت یک بر قدرت اول کشور(شاه) و سپس بر قدرت دوم کشور(فرماندهان عالی ارتش) لحاظ نموده و با تسلط بر این دو مرجع قدرت، ارتش(تجهیز و آموزش ارتش) و ضداطلاعات(تأسیس و آموزش ضداطلاعات) را در جهت اهداف و منافع خود در منطقه غرب آسیا بکار می گیرد.

کلیدواژه ها: آمریکا، پهلوی، رفتار نظامی، ارتش، جنگ سرد

مقدمه

دخالت آمریکا در حاکمیت پهلوی دوم، از حالت کسب امتیازات مقطعی توسط ایالات متحده با اعمال کنترل بر سیاستمداران ایرانی فراتر رفته و شکل کارگزاری و پایدار پیدا می‌نماید بدین معنی که جهت گیری اصلی کشور و سیاست‌های کلان در آن دوران، در چارچوب ریل‌گذاری اهداف و منافع آمریکا معطوف می‌گردد. کنترل نظامی در این دوران در ابعاد و سطوح مختلف همانند جلب همکاری شاه، تغییر ساختار ارتش، شبکه‌سازی از فرماندهان و نظامیان، حضور متعدد شرکت‌ها و مستشاران نظامی برای تأمین اهداف و منافع ایالات متحده، تصویب قوانین و ایجاد هنجارها و ارزش‌ها مطابق با خواست‌های آمریکا عملیاتی می‌گردد که در راستای تثبیت و تضمین روابط دست-نشاندهی قابل تعریف است که البته منجر به حفظ و تثبیت قدرت دست‌نشانده در ایران آن دوران است. لذا دغدغه محقق بررسی چگونگی حضور آمریکا در ارتش و بخش‌های نظامی حکومت پهلوی دوم می‌باشد و برای حصول نتیجه از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته می‌شود.

اهمیت کالبد شکافی رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم برای درک صحیح قوائد تکرار شونده تاریخی از جهت ریشه‌یابی رفتارهای جاری آمریکا امری مهم و حیاتی است، از سوی دیگر یکی از محورهای اصلی تبلیغات در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های بیگانه وابسته به اپوزیسیون سطنت‌طلب به ویژه در سال‌های اخیر، تظہیر چهره رژیم پهلوی به عنوان یک فرد میهن‌پرست ملی است اهمیت پژوهش حاضر تحقیق حاضر گامی در جهت تبیین چهره واقعی حکومت پهلوی دوم و آمریکا می‌باشد در ضرورت پژوهش مذکور لازم به ذکر است که عدم ورود به چنین حوزه‌هایی باعث می‌گردد گروه‌های ضدانقلاب شاه خائن و فاسد و وطن‌فروش را به عنوان یک فرد لایق و خدمتگزار به نسل جدید و جوانان معرفی می‌نمایند.

هدف پژوهش تبیین رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم است لذا سؤال اصلی تحقیق این گونه طرح می‌شود، رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم چگونه بوده است؟ برای پاسخ‌گویی علمی به سؤال، محورها و مصداق‌های رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم مستند به اسناد و مدارک معتبر مورد توجه و مذاقه قرار می‌گیرد تا رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم با ارائه اسناد متقن اثبات و تحلیل گردد. فرضیه اصلی در این پژوهش این است که رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم بصورت ساختارگرایانه بوده است.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه تحقیق

عنوان رساله	هژمون گرایی منطقه ای ایران : بررسی رابطه حکومت پهلوی دوم و آمریکا
مشخصات محقق	آقای حسین موسوی
محل اجرا	سال ۱۳۹۶ در دانشگاه علامه طباطبائی، پژوهش با روش توصیفی و با جمع آوری کتابخانه ای انجام شده است.
سؤال‌ها/ فرضیه‌ها	۱. آمریکا با برقراری رابطه هدفمند با حکومت پهلوی به دنبال تضمین امنیت منافع خود در منطقه بود. ۲. آمریکا به جهت مقابله با شوروی تعامل و رابطه با ایران را پیگیری می کرد. ۳. آمریکا به دنبال ساخت ایرانی قوی ولی مستعمره از ایران دوره پهلوی بود.
نتایج	یادشده در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که آمریکا با دکترین نیکسون و کسینجر دو کشور بزرگ منطقه را تشویق کرد که حفاظت از امنیت منطقه را بر عهده بگیرند ، محمد رضا پهلوی که احساس خطر زیادی از جنبش های چپ گرای همسایه خود یعنی شوروی و عراق داشت شرایط منطقه ای را برای دفع این تهدیدات و برپایی نظام امنیتی جدید با محوریت ایران فراهم دید و از این فرصت استفاده نمود تا ایران را به با پول نفت به دپوی تجهیزات نظامی آمریکا تبدیل نماید.
عنوان مقاله	چرخش در سیاست خارجی ایران در دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش(از موازنه منفی تا وابستگی)
محقق	میلانی - جمیل
مشخصات فصلنامه	این مقاله در سال ۱۳۹۳ در شماره ۴ فصلنامه سیاست به چاپ رسیده است.
سؤال‌ها/ فرضیه‌ها	آیا چرخش در سیاست خارجی ایران در دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش به جهت منافع ملی بوده است؟
نتایج تحقیق	نگارنده در پی آن است تا با نگاهی به وضعیت سیاست خارجی ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد چرخش کامل در سیاست خارجی ایران را نشان دهد که در مقاله به این نتیجه می رسد این تغییر تاکتیک نه بر اساس منافع کشور بلکه بر اساس دخالت‌های بیگانگان و منافع آنان و با همکاری عوامل دست نشانده شکل می گیرد. شاه بعد از کودتا از روابط ایران با آمریکا در زمان دکتر مصدق به عنوان موازنه منفی نام برد و تاکید نمود بعد از کودتا این موازنه به موازنه مثبت تغییر شکل خواهد داد لذا با این طرح شاه که بازگشت به قدرت مجدد را مدیون آمریکا می دانست عملاً همه بخش های کشور را در اختیار آمریکا قرار داد.
عنوان مقاله	بررسی روابط ایران با آمریکا در دوره نخست وزیری علی امینی
مشخصات محقق	آقای مجید رسولی
محل اجرا	مقاله فوق در سال ۱۳۸۸ توسط در فصلنامه پژوهش های علوم انسانی به چاپ درآمده است

سؤال تحقیق	رابطه ایران با آمریکا در دوره نخست وزیری علی امینی چگونه بوده است ؟
نتیجه تحقیق	نگارنده در این مقاله با تشریح برنامه های آمریکا در دوران نخست وزیری علی امینی به این نتیجه می رسد برنامه هایی که آمریکا در ایران به اجرا در آورد موجبات از هم گسیختگی بافت اجتماعی ایران گردیده و دگرگونی حاصل از این برنامه ها در جامعه ایران به دلایل مختلف نتوانست شکل منظمی پیدا نماید و در نتیجه باعث افزایش نارضایتی مردمی و تشکیل گروه های مخالف رژیم را در پی داشت که منجر به قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ گردید .
عنوان	Magestic failure: The fall of the shoh
محقق	زونیس ^۱ - ماروین
مشخصات	کتاب فوق در سال ۱۹۹۱ م چاپ شده است.
نتایج تحقیق	در این کتاب سقوط شاه بر اساس یک تحلیل روانشناختی از شخصیت شاه و وابستگی های او به برخی از اطرافیانش تبیین شده است و عقیده دارد علت اصلی سقوط شاه ضعف های درونی خود او بوده با این حال نویسنده در تحلیل خود از نقش شرایط بین المللی به ویژه عملکرد آمریکا غفلت نکرده است. نویسنده شاه را فردی ضعیف معرفی می نماید لیکن تأکید می کند برخی عوامل باعث شد تا این فرد ضعیف بتواند سال ها در ایران حکمرانی نماید ؛۱. دوستانی همچون علم و فردوست ۲. ارتش و ساواک ۳. حمایت آمریکا. این سه عامل به شاه کمک کرد تا بتواند با دفع مشکلات و مسائل پیش آمده، دولت را مدیریت نماید. نویسنده علت اصلی ضعف های شاه را محیط تربیتی دوران کودکی و استبداد رضاء شاه معرفی کرده است.
عنوان	Foreign relations of Iran: Developing state in a zone of Great Power conflict
محقق	ذبیح - سپهر و چوبین - شهرام
مشخصات	کتاب فوق در سال ۱۳۶۶ در امارات چاپ شده است.
نتایج تحقیق	ذبیح و چوبین روابط خارجی ایران را در دوران پهلوی دوم با در نظر گرفتن شرایط بین المللی آن هنگام مورد بررسی قرار داده اند، البته هر دو نویسنده رویکردی جانبدارانه نسبت به محمدرضا شاه در این کتاب اتخاذ کرده و عمده اقدامات پهلوی به خصوص ارتباط راهبردی با آمریکا را از دستاوردهای شاه می دانند. نویسندگان کلیه رفتارهای تحمیلی آمریکا نسبت به شاه را به عنوان موفقیت های شاه تلقی و رفتارهای آمریکا در وابسته سازی و مستعمره سازی ایران دوران پهلوی را از زاویه دیگر در جهت رشد و صنعتی شدن کشور تحلیل کرده اند که با توجه به اسناد موجود تحلیل های تخیلی یادشدهگان مورد انتقاد اصحاب تاریخ قرار گرفته است و از این جهت که در افکار عمومی تأثیر دارد مهم است و بایستی به آن پاسخ داده شود.

عنوان	Revolution in Iran : Roots Turmoil
محقق	کامروا - مهرا
مشخصات	کتاب فوق در سال ۲۰۰۷ م در قطر چاپ شده است.
نتایج تحقیق	کامروا مدیر مرکز مطالعات منطقه‌ای و بین‌المللی در دانشگاه جرج تاون آمریکا در قطر در کتاب ریشه‌های انقلاب ایران به تحلیل دقیق و جزئی حوادثی پرداخته که به وقوع انقلاب اسلامی در ایران منتهی می‌گردد نویسنده در کتاب فوق تلاش می‌کند چهره مثبتی از شاه نشان داده و سیاست غرب-زدگی پهلوی را به دلیل غلبه بر همسایگان عرب و مقابله به کمونیست روس تحلیل می‌نماید. نویسنده به جای سیاست‌های اشتباه شاه در رفتار با مردم، دین و همسایگان را دلیل شکست تاریخی پهلوی از روحانیت می‌داند که همین موضوع کیفیت علمی این نوشته را کاهش می‌دهد. نویسنده فراموش می‌کند تهدید سوسیالیست روس و همسایگان بخش عمده‌ای ساخته و پرداخته آمریکا برای رسیدن به هدفش بوده است.

مبانی نظری

پهلوی

دوره پهلوی آخرین دوره پادشاهی ایران از سال ۱۳۰۴ الی ۱۳۵۷ شمسی است که بعد از برچیدن حکومت قاجار بر ایران مسلط گردید. حضور موثر آمریکا در ایران برابر اسناد تاریخی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش در زمان حکومت پهلوی دوم حادث شده است. پهلوی دوم یا محمد رضا آخرین پادشاه دودمان پهلوی و آخرین پادشاه ایران از ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ش بر ایران حکومت رانده است. محمدرضا شاه در پی استعفای پدرش رضا پهلوی و با رأی مجلس شورای ملی به پیشنهاد محمدعلی فروغی برای حفظ تمامیت ارضی ایران بر اثر هجوم متفقین به پادشاهی رسید و با انقلاب ۱۳۵۷ش برکنار شد.

وضعیت نظامی در دوره پهلوی

ساختار نظامی دوره پهلوی متأثر از مؤلفه‌های متعددی است که هر کدام از این مؤلفه‌ها نقش بزرگی در تبدیل ایران به یک پادگان نظامی متشکل از تجهیزات آمریکایی داشت، در زیر به برخی از این مؤلفه‌ها اشاره می‌گردد:

- اشغال ایران در جریان جنگ جهانی اول و دوم و غرور شکسته ایرانیان از تاخت و تاز بیگانگان در کشور

- هم‌جواری ایران با مهد کمونیسم جهانی
 - همسایگی ایران با کشورهای عربی رادیکال
 - تجربیات تلخ آمریکا در جنگ ویتنام و طرح دکترین نیکسون
 - علاقه وافر و رویایی حاکم مستبد ایران به توسعه نظامی
 مؤلفه‌های فوق و برخی دلایل دیگر باعث شد تا ایران در ساختار نظامی بدون حد و مرز و به صورت افراطی اقدام به خرید کمی و کیفی تجهیزات نظامی آمریکایی نماید و همین خریده‌ها باعث گردید تا ساختار نظامی ایران دچار تغییرات اساسی گردد که در ادامه به برخی از این تغییرات اشاره می‌نمائیم:

۱. ارتش ایران در سه بخش زمینی، هوایی و دریایی شکل گرفت. نیروی زمینی مرکب از ۲۵۵۰۰۰ نفر بود که در چهار لشکر زرهی، چهار لشکر پیاده‌نظام، چهار تیپ مستقل (تیپ پیاده‌نظام، تیپ زرهی، تیپ هوای و تیپ نیروهای ویژه) سازماندهی شده بود. در نیروی زمینی تجهیزات مدرنی در قسمت ترابری، توپخانه و پدافند هوایی و زمینی وجود داشت. همچنین نیروی زمینی دارای ۹۵۰ فروند پرنده، به ویژه بالگردهای هوانیروز، بود (Mojtahed Zadeh, 1990: 20).

۲. نیروی دریایی در سیاست خارجی و نظامی ایران نقش بسیار مهمی ایفاء می‌کرد. بر اساس نظریات دولت شاهنشاهی، محدوده فعالیت امنیتی ایران از خلیج فارس فراتر بود و بخش‌هایی از آب‌های دریای عمان و اقیانوس هند را نیز شامل می‌شد. ایران برای تقویت هرچه بیشتر نیروهای خود در دریای عمان و اقیانوس هند، پایگاه دریایی و هوایی بسیار مجهزی در کنارک چابهار با هزینه ۸۰۰ میلیون دلار تأسیس کرد. پایگاه کنارک، پس از مرکز دریایی آمریکا در جزیره دیه گوگاریا در اقیانوس هند، از پیشرفته‌ترین و بزرگترین انواع خود در جهان بود (زندمقدم، ۱۳۷۲: ۶۵). کارکنان نیروی دریایی بالغ بر ۲۵/۰۰۰ نفر بودند و مجموعه‌ای از کشتی‌های جنگی پیشرفته آن را بسیار کارآمد می‌ساخت مجموعه کامل و گسترده‌ای از کشتی‌های آبی خاکی موسوم به هاورکرافت تحت نظارت و هدایت شهریار شفیق از خانواده سلطنتی در نیروی دریایی ایران نقش بسیار مهمی ایفا می‌کرد (همان)

۳. نیروی هوایی بیشتر از دو شاخه نظامی دیگر رشد و توسعه یافت. نیروی هوایی از توانمندی بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر و ۴۶۰ هواپیمای گوناگون بهره‌مند بود. مجموعه‌ای از شرکت‌های آمریکایی از جمله نورث روبر، لاکهید، جنرال الکتریک، گرومن و بل صنایع نظامی هوایی ایران را تجهیز و نگهداری می‌نمودند (احمدی، ۱۳۷۲: ۹). شاه در گفتگویی با هیکل تأکید کرد: «نیروی هوایی ایران باید به قدر کافی قوی باشد تا تمام منطقه را از خلیج فارس تا دریای ژاپن محافظت نماید» (هیکل، ۱۳۶۲: ۱۹۴)

۴. ارتش ایران با حمایت بی‌دریغ آمریکا و در راستای سیاست‌های نوین خارجی و نظامی آن به تجهیزات بسیار پیشرفته‌ای مجهز گردید که دست یافتن به آن برای بسیاری از دولت‌های هم‌پیمان واشنگتن مشکل و حتی غیرممکن می‌نمود. در حقیقت، تسلیحات دریافتی ایران از نظر حجم، مقدار و تکنولوژی در میان تمامی کشورهای توسعه‌نیافته نظیر نداشت (رواسانی، ۱۳۷۶: ۲۲۸)

وضعیت نظامی رژیم پهلوی

وضعیت نظامی رژیم پهلوی	
نیروی زمینی	متشکل از ۲۵۵۰۰۰ نفر شامل چهار لشکر زرهی، چهار لشکر پیاده‌نظام، چهار تیپ مستقل (تیپ پیاده‌نظام، تیپ زرهی، تیپ هوای و تیپ نیروهای ویژه) و دارای ۹۵۰ فروند هلیکوپترهای هوانیروز.
نیروی دریایی	دارای بزرگترین پایگاه دریایی بسیار مجهز در کنارک چابهار با هزینه ساخت ۸۰۰ میلیون دلار و شامل ۲۵/۰۰۰ نفر و مجموعه کامل و گسترده‌ای از کشتی‌های آبی خاکی موسوم به هاورکرافت و ناوشکن و ناوچه.
نیروی هوایی	متشکل از ۱۰۰/۰۰۰ نفر و ۴۶۰ هواپیمای جنگنده و پشتیبانی.

اهداف استراتژیک آمریکا در خاورمیانه (بعد از جنگ جهانی دوم)

برابر اسناد اهداف استراتژیک آمریکا در خلیج فارس بعد از جنگ جهانی دوم عبارتند از :

- جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس
- حفظ تمامیت ارضی رژیم صهیونیستی

- تأمین جریان آزاد نفت برای استفاده کشورهای صنعتی و پیشرفته غرب
- حفظ و گسترش منافع اقتصادی آمریکا
- حفظ و تحکیم ثبات و امنیت منطقه‌ای برای اهداف بالا
- زمینه‌سازی برای تسریع در روند صلح خاورمیانه
- گسترش نفوذ و تحکیم روابط با کشورهای میانه‌رو و طرفدار غرب در منطقه (اسدی، ۱۳۸۱: ۳۲۹)

آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم و خلاء قدرت ناشی از آن در عرصه بین‌المللی، فرصتی مناسب پدید آورد تا ایالات متحده مرحله جدیدی در استراتژی کلان خود آغاز نماید. در جریان جنگ جهانی دوم و پس از آن در جریان جنگ سرد، آمریکا از تضعیف قدرت‌های بزرگ در نتیجه جنگ و خلاء قدرت ناشی از آن استفاده کرد و با بهره‌گیری از توانایی‌های خود که حاصل بیش از یک قرن استراتژی توسعه داخلی بود، حوزه نفوذ خود را به مناطق حساس و مهم جهان من جمله اروپای غربی، شرق آسیا، خلیج فارس و خاورمیانه گسترش داد و این مناطق را از جمله منافع حیاتی خود تعریف نمود.

از نظر اقتصادی ایالات متحده به بازارهای مصرف، سرمایه‌گذاری و مواد خام نیاز داشت که دستیابی به آن‌ها در چارچوب اقتصادهای ملی و محصور امکان‌پذیر نبود لذا با استفاده از نیاز سایر کشورهای مهم به آمریکا برای بازسازی ویرانه‌های جنگ، ایجاد اقتصاد بین-المللی باز تحت رهبری خود را هدف قرار داد. از نظر ایدئولوژیکی حفظ نظام‌های لیبرالیستی و غیر کمونیستی را از جمله منافع حیاتی خود تعریف نمود چرا که در این دوره نوع نظام سیاسی تا حد زیادی تعیین‌کننده جایگاه یک کشور در بلوک دوست یا دشمن بود (مینایی، ۱۳۸۶: ۱۲۲). از نظر سیاسی نیز ایالات متحده به ظاهر در چارچوب استراتژی مهار و در واقع به منظور تداوم حضور نظامی و حفظ حوزه نفوذ خود در مناطق حساس جهان اقدام به ایجاد پیمان‌های امنیتی دو و چند جانبه (ناتو، سیتو، ستو، معاهده امنیتی با ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین، ایران و غیره) اشاره نمود.

استراتژی واقعی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم در مناطق حساس دنیا و خاورمیانه گسترش، تثبیت و تحکیم حوزه نفوذ خود در مناطق مختلف جهان بود و تهدید کمونیسم دستیابی آمریکا به این هدف را تا حدی تسهیل نمود. از نظر استراتژیست‌های آمریکا، ایالات متحده تنها کشوری است که ابر قدرت بدون منازعه جهان است این کشور از تسلط ایدئولوژیکی و استراتژیکی برخوردار است و لذا نفوذ و اقتدار هژمونیک را اعمال می‌کند، سهم این کشور از تولید ناخالص جهانی نیز بیشتر از میزانی است که برای حفظ برتری خود لازم دارد علاوه بر این آمریکا بیش از هر کشور دیگر از قدرت نرم برخوردار است و پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها در حوزه صنعتی را در اختیار دارد و این برتری از کارایی تسلیحات سنتی آمریکا می‌کاهد (مینایی، ۱۳۸۶: ۱۶۴).

نخبگان سیاسی حاکم بر آمریکا منافع استراتژیست این کشور در مناطق حساس و مهم جهان را بعد از جنگ جهانی دوم به شرح زیر مطرح می‌نمایند:

از نظر سیاسی تداوم سلطه بر محیط امنیتی اروپا، شرق آسیا، خاورمیانه و خلیج فارس که قبلاً در جریان جنگ سرد حاصل شده، باید تداوم یابد.

از نظر اقتصادی افزایش دسترسی به بازارهای اروپا، شرق و جنوب شرقی آسیا، خاورمیانه و خلیج فارس، کنترل منابع و مسیرهای انتقال انرژی و در صورت لزوم امکان استفاده از آن‌ها به عنوان ابزاری علیه کشورهای متخاصم.

از نظر ایدئولوژیکی گسترش حاکمیت نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باز به اروپای مرکزی و شرقی، شوروی، شرق و جنوب شرق آسیا و تداوم حاکمیت حکومت‌های غرب گرا در کشورهایی که فضای باز سیاسی ممکن است به منافع امنیتی و اقتصادی آمریکا لطمه وارد سازد (مترجمان، ۱۳۸۱: ۴۴).

روشناسی تحقیق

پژوهش پیش‌رو یک تحقیق تاریخی است، پژوهش تاریخی عبارت است از بازسازی گذشته به منظور حل مسائل.

نوع تحقیق کاربردی و توسعه‌ای است، روش تحقیق بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها با توجه به موضوع پژوهش، توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مدل کیفی با رویکرد تبیین‌گری اختیار عاقلانه و ساختاری-علی می‌باشد.

قلمرو زمانی از نظر جمع‌آوری داده ۳۷ سال دوره پهلوی دوم (محمدرضا پهلوی) می‌باشد. قلمرو مکانی این تحقیق هم از نظر مکان جمع‌آوری داده‌ها و هم از نظر مکان کاربردی نتایج این تحقیق در فضای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

گردآوری داده به روش کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته و از مصاحبه درجه اول و مصاحبه درجه دوم^۸ نیز برای روایی اسناد و نیز اشباع نظری بهره‌گیری شده است.

در این پژوهش با پنج نفر از اعضای اصلی تیم مدیریت نظامی پهلوی مصاحبه درجه اول انجام شده که محقق از نتایج آنها بهره‌برداری نموده است. سپس با توجه به نتایج بدست آمده از این پنج نفر، با پنج نفر از خبرگان و صاحب‌نظران و اساتید دانشگاهی و حوزه نظامی-امنیتی در داخل کشور مصاحبه درجه دوم انجام گردید.

الف. مصاحبه درجه اول

مصاحبه درجه اول تحقیق در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ توسط تیم حسین دهباشی با هماهنگی کتابخانه ملی ایران و کتابخانه ملی آمریکا و با پشتیبانی صدا و سیما در کشورهای آمریکا، فرانسه و انگلیس انجام گردید.

ردیف	نام و نشان	مسئولیت در دوره پهلوی	اهم موارد مطرح شده
۱	دریادار امیر هوشنگ آریانپور	معاون فرماندهی نیروی دریایی	ارتش در زمان شاه به صورت کامل در اختیار مستشاران آمریکایی قرار داشت، آن‌ها هم هر کسی را که خودشان دوست داشتند به جمع خود راه می‌دادند و در بعضی مواقع هم از موضوعات فنی و تخصصی به او سئوالی را آموزش می‌دادند.
۲	سپهبد عبدالله	جانشین و معاون	ما در خرید هواپیمای شکاری به این نتیجه رسیدیم

^۸ مصاحبه درجه اول به مصاحبه‌ای گفته می‌شود که در آن مصاحبه‌شونده در محل و زمان موضوع تحقیق حضور داشته و شخصاً به صورت مستقیم با موضوعات برخورد نموده است و مصاحبه درجه دوم به مصاحبه‌ای گفته می‌شود که در آن مصاحبه‌شونده در محل و زمان مصاحبه حضور نداشته لیکن از طریق مطالعه یا مشاهده و خاطره دارای اطلاعاتی در حوزه تحقیق حاضر است.

	آذربیزین	عملیاتی فرماندهی نیروی هوایی شاهنشاهی	که اف ۱۴ برای ما مقرون به صرفه نیست لذا به شاه گفتیم که نباید اف ۱۴ بخریم لیکن شاه گفت اگر اف ۱۴ نخریم شرکت آن ورشکست می شود و من این را نمی‌خواهم. شاه بیشتر از ارتش ایران به آمریکایی‌ها متعهد بود. خریدهای ارتش بر اساس نیازهای عملیاتی آن نبود بلکه بر اساس منافع آمریکایی‌ها بود.
۳	دکتر علی‌نقی عالی‌خانی	رئیس اداره کل ساواک	در خصوص ارتش تقریباً همه کاره شاه بود و فرماندهان ارتش هیچ کاره بودند، همه خریدهای اساسی و کلان ارتش با اجازه شاه انجام می‌شد و ترفیعات و انتصابات مهم در جایگاه‌های بالا نیز با مجوز شاه بود و فرماندهان عالی ارتش مجری دستورات شاه بودند و اختیاری نداشتند.
۴	سرلشکر خلیل شجاعی	فرمانده ضد اطلاعات و رکن ۲ ارتش	ما در ارتش بنا به دستور شاه و درخواست آمریکایی‌ها فقط به دنبال افسران کمونیستی و هواداران آنان بودیم و سایر تخلفات خیلی تحت کنترل و پیگیری ما در ضد اطلاعات قرار نمی‌گرفت.
۵	دکتر منوچهر رزم‌آرا	وزیر بهداری	من پزشک ارتش بودم و کاملاً برایم ملموس بود تغییراتی که آمریکایی‌ها در ارتش ایجاد کردند، ارتش ما کاملاً آمریکایی شده بود، حتی در نوع و رنگ لباس

ب. مصاحبه درجه دوم

مصاحبه درجه دوم تحقیق از طریق نخبگان دانشگاهی و کارشناسان سازمان‌های نظامی و امنیتی صورت گرفته است که اهم موارد مطرح شده از سوی یادشدگان در خصوص رفتار نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم به شرح جدول زیر جمع‌بندی و ارائه می‌گردد: (دلایل انتخاب مصاحبه شوندگان: ردیف ۱ و ۲ مصاحبه شوندگان از اساتید حوزه آمریکا شناسی هستند، ردیف ۳ و ۴ از نظامیانی هستند که در زمان پهلوی در ارتش با آمریکایی‌ها کار کرده اند و ردیف ۵ از کارشناسان بخش آمریکا یکی از سازمان‌های امنیتی می باشد)

ردیف	نام و نشان	مسئولیت	اهم موارد مطرح شده
۱	دکتر	استاد	رفتار نظامی آمریکا در ارتش با ارسال تجهیزات و تسلیحات و

	رضا جمشیدی	دانشگاه	اعزام مستشاران نظامی جهت راه اندازی و آموزش تجهیزات شروع گردید. نمونه بارز این اقدامات در نیروی هوایی با فروش هواپیماهای جنگنده بود که ملموس تر از قسمت های دیگر ارتش بود.
۲	دکتر علی نجف زاده	استاد دانشگاه	شاه برای اطمینان از خنثی شدن کودتا در ارتش تلاش نمود تعداد زیادی مستشار آمریکایی در ارتش بکار بگیرد که این ترفند او تا حدودی جواب داد و در سال ۱۳۵۵ به ازای هر ۵ نفر ارتشی یک نفر مستشار آمریکایی وجود داشت.
۳	نظامی بازنشسته علی رضا پور	کارشناس نظامی	آمریکایی‌ها به جزء قوانین و ساختار ارتش، فرهنگ ارتش را نیز تغییر دادن، رواج بی بند و باری و ترویج اباحیگری و سکولار شدن ارتش از موضوعات مهمی بود که مستشاران آمریکایی در ارتش ایران پیاده کردند.
۴	نظامی بازنشسته احمد محمودی	کارشناس نظامی	همه قوانین ارتش توسط آمریکایی‌ها بازنگری شد و کلیه طرح های عملیاتی بر اساس دکترین نظامی ارتش آمریکا بازنگری شده بود و جا داشت بگوئیم ارتش ایران یک نمونه از مدل ارتش آمریکایی بود.
۵	رشید خلیلی	کارشناس امنیتی	همه امورات مهم ارتش با هماهنگی شاه و سفیر آمریکا در ایران و ارتشبد طوفانیان انجام می شد و سایر مسئولین ارتش و دولت هیچ اختیاری نداشتند. آمریکا بعد از ژاندارم کردن ایران به شاه دستور می داد که به سایر کشورهای منطقه کمک نظامی و مالی نماید.

یافته ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در بررسی اسناد و مدارک مشخص گردید اقدامات آمریکا در حوزه نظامی دوره پهلوی دوم خلاصه می‌شود در ارتش. آمریکا با شیوه‌های متعدد شاه را تحت سلطه خود در آورده بود و از آنجایی که فرمانده کل قوا در حکومت پهلوی شاه محسوب می‌گردید و ارتش مستقیماً تحت نظر و سلطه شاه بود لذا آمریکا برای کنترل بر این مجموعه (با شدت و عمق تسلطی که بر شاه داشت)، کار سختی در پیش نداشت، بنابراین در خصوص ارتش و ضد اطلاعات آمریکا عمده اقدامات خود را بر ساختارسازی متمرکز می‌نماید که در زیر تحلیل و واکاوی می‌گردد:

آموزش و تجهیز ارتش

بعد از کودتای ۲۸ مرداد پس از آنکه آمریکا با کنسرسیوم نفتی صاحب نفت ایران شد یکی از اقداماتی که شاه پیگیری نمود آموزش و تجهیز ارتش بود، شاه به این موضوع علاقه وافری داشت و شخصاً پیگیر این موضوع بود تا بالاخره توانست آمریکایی‌ها را راضی کند ارتش ایران را آموزش دهند و سلاح و تجهیزات مدرن بفروشند (فروست، ۱۳۸۶: ۲۸۸).

مستشاران آمریکایی

با مجاز شدن فروش سلاح‌های پیچیده به مقادیر بی‌سابقه به ایران، آمریکا خود را متعهد کرد که این سلاح‌ها را به ایران دهد. این امر به معنای حضور کاملاً مشهود آمریکا در ایران به‌وسیله فرستادن تعداد بسیار زیادی افراد نظامی، غیرنظامی و مشاور برای جبران کمبود شدید نیروی انسانی ماهر لازم برای کاربردی کردن این سلاح‌ها بود. در سال ۱۳۵۶ش اکثریت ۲۴ هزار نفر آمریکایی که در ایران بودند، نظامی و یا وابسته به امور نظامی بودند. انتظار می‌رفت که به علت خرید اسلحه از آمریکا این تعداد تا سال ۱۳۵۹ش به ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر برسد» (احمدی، ۱۳۷۲: ۲۴) سرانجام، اگر در یک جمع‌بندی کلی تعداد آمریکاییان شاغل در امور ارتش ایران را نزدیک به ۳۰ هزار نظامی، منظور نماییم با توجه به تعداد کارکنان پایور شاغل در ارتش در آخرین دهه سلطنت پهلوی، در برابر هر شش نظامی ایرانی، یک آمریکایی در ارتش ایران حضور داشته است (پارسونز و سولیوان، ۱۳۷۲: ۷۵) شخص شاه و سردمداران حکومت پهلوی به‌شدت مرعوب قدرت آمریکایی‌ها بوده و به‌طور کامل کشور را در اختیار آن‌ها قرار داده بودند. تحت این شرایط و با توجه به اینکه ورود و خروج آمریکاییان به کشور ثبت نمی‌گردید و حقوق و مزایای مستشاران نظامی نیز از طریق برداشت مستقیم وزارت دفاع آمریکا از سپرده‌های ارزی حاصله از فروش نفت ایران که به بانک‌های آمریکایی واگذار شده بود صورت می‌گرفت، عملاً امکان مشخص ساختن تعداد دقیق مستشاران آمریکایی حاضر در ایران در طول حکومت پهلوی میسر نخواهد گردید (همان) برابر اظهارات سولیوان سفیر آمریکا در ایران؛ در سال ۱۳۵۷ش قریب به سی و پنج هزار آمریکایی در ایران به سر می‌بردند و تفاوت مستشاران نظامی آمریکا در ایران با سایر مستشاران نظامی آمریکا در کشورهای دیگر جهان این بود که

پرسنل نظامی آمریکا در ایران عملاً جزو نیروهای مسلح ایران به حساب می‌آمدند و به جزء شش نفر از افسران ارشد بقیه حقوق بگیر دولت ایران بودند و حقوق، مزایا و هزینه ایاب و ذهاب و مخارج تحصیل فرزندان و همه از طرف دولت ایران پرداخت می‌شد (سولیوان، ۱۳۹۳: ۵۲)

خرید تجهیزات نظامی

از سال ۱۳۵۲ش رئیس‌جمهور آمریکا عمدتاً تصمیم‌گیری در مورد خریداری وسایل نظامی را به شاه واگذار کرد. بر این اساس شاه به مجموعه وسیعی از اسلحه، مهمات، تجهیزات و تخصص فنی مربوط به آن‌ها روی آورد و آمریکایی‌ها تأیید می‌کنند که از آغاز سال ۱۳۵۲ش بیش از هفت میلیارد اسلحه و تجهیزات به ایران فروخته‌اند که تحویل آن‌ها تا پنج سال به طول خواهد انجامید. این مقدار از تسلیحات نیاز به تخصص فنی داشت و آمریکا از این رهگذر نیز به منافع اقتصادی دست می‌یافت؛ به گونه‌ای که برابر اسناد لانه جاسوسی حدود ۱۵۰۰۰ کارمند غیرنظامی در ایران به کار گرفته شدند (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶: ۱۹۲) نظارت گسترده و همه جانبه محمدرضا شاه پهلوی بر فرآیند سفارش و خرید این تسلیحات بود. بنابراین بدون کسب اجازه و یا دستور از جانب وی، هیچگونه خرید تسلیحاتی انجام نمی‌گرفت. این مسئله توسط افراد مختلفی از قبیل فریدون جم - که یکی از نزدیک‌ترین افراد به دربار و خاندان سلطنتی پهلوی بوده است - و آذربیزین معاون عملیات نیروی هوایی دوره پهلوی مورد تأیید قرار گرفته است و بنا به گفته وی «نه وزارت جنگ کنترلی داشت و نه ستاد بزرگ ارتش داران. اعلیحضرت بود و بانک مرکزی و ارتشبد طوفانیان و سفارت آمریکا. اصلاً ارتش اطلاعی نداشت...» (آذربیزین، مصاحبه: ۲۰۰۹) در زمان پهلوی دوم انواع و اقسام تسلیحات مدرن و پیشرفته نظامی توسط ایالات متحده آمریکا به ایران فروخته شد و بین سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۴ش تقریباً حدود هفت میلیارد دلار از منابع و ثروت‌های ملی ایران صرف خرید تسلیحات نظامی گردید (هویدا، ۱۳۶۵: ۹۸). از سوی دیگر حجم عظیمی از منابع مالی ایران نیز به مستشاران آمریکایی که برای آموزش ارتش ایران و چگونگی استفاده و تعمیر این تسلیحات به ایران آمدند، داده می‌شد. برای مثال شرکت سازنده جنگنده اف-۱۴، به تنهایی

هشتصد مستشار به ایران اعزام کرد و سالانه حجم عظیمی از منابع ملی به این مستشاران داده می‌شد. این مسئله تا جایی شدت پیدا کرد که ایران به مرکزی برای رقابت لابی‌ها و شرکت‌های اسلحه‌سازی تبدیل گردید و به گفته ژنرال ویلیامسون^۱ رئیس هیأت مستشاران آمریکایی مقیم ایران در دهه هفتاد میلادی «هر هفته ۳۵ نماینده از کمپانی‌های مختلف سازنده و فروشنده اسلحه وارد تهران می‌شدند» (روبین، ۱۳۶۶: ۱۱۱) بدین ترتیب این مسئله به قدری گسترده بود که ایران به مشتری ویژه تسلیحات آمریکایی تبدیل گردید و به ایران تسلیحاتی فروخته می‌شد که به هیچ وجه به سایر کشورها داده نمی‌شد. مثلاً در زمان کارتر «هفت فروند رادار هشداردهنده پرنده موسوم به «آواکس» به ایران فروخته شد که بهای آن‌ها بالغ بر ۱۲۳۰ میلیون دلار می‌شد. این هواپیماها اساساً برای کشورهای عضو ناتو طراحی شده بود و ایران اولین کشور غیرعضو ناتو بود که اجازه خرید این هواپیمای فوق‌پیشرفته را می‌یافت» (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۶۲)

دکترین نیکسون

بعد از خروج انگلستان از منطقه ایالات متحده به این جمع‌بندی رسیده بود که بهترین شیوه ممکن برای حفاظت از امنیت خلیج فارس، نقش بیشتر ایران و عربستان در منطقه است. این ایده در وزارت خارجه به‌عنوان دکترین نیکسون مطرح و شناخته شد. ایران و عربستان متحدین غرب در خلیج فارس محسوب می‌شدند و قدرت‌هایی منطقه‌ای بودند که قابلیت‌هایی برای ایفای نقشی بزرگتر در امور امنیتی خلیج فارس داشتند. علاقه وافر شاه به ژاندارمی منطقه و نظر به اینکه ایران در آن هنگام یک ارتش ۱۵۰ هزار نفری داشت و نیروی هوایی و نیروی دریایی‌اش نیز در حال رشد بود. از طرفی عربستان سعودی تنها ۳۰ هزار نیروی نظامی داشت که اغلب آنها نیز برای مقاصد امنیت داخلی تدارک دیده شده بودند، عربستان در آن هنگام فاقد ناوگان دریایی بود و یک نیروی هوای ضعیف داشت. اما از طرفی دیگر عربستان درآمدهای بالایی در حوزه نفت داشت و نفوذی گسترده در میان امیرنشین‌های عربی خلیج فارس داشت. بنابراین ایالات متحده کارکردهایی متمایز برای این دو متحد در بطن دکترین نیکسون انتظار داشت. عربستان سعودی می‌توانست از نفوذش

^۱ Viliyamson.

برای حفظ ثبات در خلیج فارس استفاده کند. اما ایران یک نقش برجسته‌تر نظامی را به مثابه یک قدرت دریایی و نیرویی بر علیه دشمنان منطقه‌ای، ایفا کند. این‌گونه ایران به‌عنوان ستون نظامی و عربستان سعودی به‌عنوان ستون غیر نظامی، دکترین نیکسون در منطقه در نظر گرفته شدند (الوندی، ۱۳۹۵: ۹۲) در راستای ایفای نقش منطقه‌ای ایران در خلیج فارس ایالات متحده تلاش کرد تمام نیازهای تسلیحاتی ایران را برطرف سازد تا شاه بتواند هرگونه بی‌ثباتی منطقه‌ای را بدون حضور آمریکا خنثی سازد (بیل، ۱۳۷۱: ۲۳۶)

پیمان دفاعی بغداد (ستو)

ایالات متحده در رقابت با شوروی در تدارک یک نظام امنیت دسته جمعی در خاورمیانه برآمد. ایالات متحده از اولین سال‌های جنگ سرد در جستجوی چگونگی دفاع از خاورمیانه در برابر شوروی برآمد، در این راستا بود که در سال ۱۹۶۷م به ترکیه و یونان کمک نظامی کرد و آنها را ترغیب کرد که برای مقابله با خطر کمونیسم به ناتو بپیوندند. در ۱۹۵۵م عراق و ترکیه در خصوص یک پیمان دفاعی به توافق رسیدند. این پیمان در تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۵۵م در بغداد بین کشورهای ترکیه و عراق با عنوان پیمان همکاری دفاعی متقابل به امضاء رسید و متعاقب آن انگلستان در ۳۰ مارس ۱۹۵۰م، پاکستان در ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۵م و ایران در ۱۱ اکتبر همان سال وارد پیمان بغداد شدند. این معاهده بر روی دیگر دولتهایی که نگرانی‌های مشابه امنیتی داشتند باز باقی ماند. گرچه آمریکا رسماً و بطور کامل بدین پیمان نپیوست اما این ترتیبات امنیتی به مثابه نظامی از ائتلاف‌های آمریکایی در خاورمیانه شناخته شد که نشانه‌ای آشکار از جایگزینی فزاینده تسلط بریتانیا و آمریکا در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای بود که بشدت متأثر از ترس از نیات و مقاصد تهاجمی شوروی بود. سازمان پیمان مرکزی حلقه واسط نظام دفاعی غرب بود، و ناتو و سنتو را به هم پیوند می‌داد. پس از الحاق ایران به پیمان بغداد، چون تجهیزات جنگی کشورهای عضو پیمان می‌بایست یکسان می‌شد، تغییرات دامنه‌داری در ارتش ایران داده شد و سازماندهی جدیدی تحت نظر و مشورت مستشاران نظامی آمریکایی پی‌ریزی گردید (الوندی، ۱۳۹۵: ۲۷۱)

تغییر ساختار ارتش

در یکی از اسناد لانه جاسوسی خودشان به این موضوع اذعان می‌کنند، آمریکایی‌ها بعد از آنکه به نیازهای نظامی حکومت پهلوی در سه حوزه نیروی زمینی، دریایی و هوایی می‌پردازند به این موضوع اشاره می‌کنند که تأمین این موارد با اهداف آنها هم‌سنگ است و برای این ادعا سندی از اسناد لانه جاسوسی وجود دارد: «پیش‌بینی می‌کنیم که با اجرای برنامه‌های فوق، ساختار دفاعی ایران توانمند و کارآمد خواهد شد. این توانمندی نیز به نوبه خود موجب حمایت از اهداف مساعدت‌های امنیتی و منافع ملی ایالات متحده خواهد شد. با وجود این، به منظور جذب مؤثر و مدیریت سیستم‌های پیچیده‌ای که ایران قصد اکتسابش را دارد، به ارتقای کنترل فرماندهی، عملیات مشترک، برنامه‌ریزی دراز مدت و هماهنگی‌های داخلی نیاز است. دولت ایران کاملاً از مشکلات موجود و بالقوه توانایی خود در جذب این سیستم‌ها آگاه است. به همین سبب شاه همکاری نزدیکی با مستشاران ارشد نظامی، چه ایرانی و چه غیرایرانی، برای تضمین ارتقای این توانایی‌ها دارد.» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸: ۱۱۲)

ایجاد دیوار نظامی در برابر کمونیسم شوروی

در یکی از اسناد بدست آمده از سفارت آمریکا با طبقه بندی «سری»، چنین آمده است: «منافع اساسی ما در منطقه عبارتند از: «ثبات، محدود کردن نفوذ شوروی و در عین حال اجتناب از رویارویی با اتحاد شوروی، و داشتن دسترسی به نفت و گاز خلیج فارس» در ادامه این متن دوباره تأکید می‌کند که «در خلیج فارس، آنچه برای ما مهم است، می‌خواهیم در عین حالی که از دسترس خود به منطقه و نفت آن حفاظت می‌کنیم، نفوذ شوروی و کشورهای افراطی عرب را مهار کنیم» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). ارتفاعات البرز و زاگرس، با ارتشی که غرب آن را آموزش داده و مجهز کرده بود به‌عنوان بخشی از سپر دفاعی در مقابل اهداف شوروی نسبت به خلیج فارس و منابع عظیم آن محسوب می‌شد و در یک سند سری دیگر سفارت آمریکا «انجام اقدامات ضروری و در حیطه قدرت ایران، به‌منظور خنثی‌سازی فعالیت‌های پنهانی شوروی در ایران و ممانعت از گسترش شوروی به سمت خلیج فارس» جز اهداف آمریکا ذکر شده است (همان، ۱۶۷). برابر اظهارات فردوست؛

در سال ۱۳۲۸ ش در سفری که شاه به آمریکا داشت درخواست نمود ارتش آمریکا به ایران در زمان حمله احتمالی شوروی کمک نماید که مورد موافقت ارتش آمریکا قرار نگرفت ولی آن‌ها طرحی را ارائه نمودند که بر اساس آن حدود هفتاد درصد ارتش ایران در غرب و نوار زاگرس گسترش داده و حدود ۳۰ درصد ارتش در شمال، مرکز، جنوب و شرق مستقر تا به این وسیله ارتش ایران بتواند با کمک رشته کوه‌های زاگرس در برابر ارتش شوروی مقاومت نماید. (فردوست، ۱۳۸۶: ۱۵۳)

رخنه در بدنه ارتش

یکی از نکات مهم اشرافیت آمریکایی‌ها بر ارتش ایران است، آن‌ها با عناصر و عوامل نفوذی خود در ارتش کلیه وضعیت‌های حال و برنامه‌های آینده ارتش را رصد می‌کردند. اسناد موجود در این زمینه حاکیست؛ «نیروی زمینی شاهنشاهی ایران همچنین یک لشکر زرهی را به منظور تأمین امنیت بخش شرقی ایران تشکیل خواهد داد» یا تحلیل‌هایی از استعداد نیروهای نظامی در استفاده از تجهیزات درخواستی می‌دهند که ناشی از اشراف کامل آن‌ها به اطلاعات نظامی ایران است: «اگرچه نیروی زمینی شاهنشاهی ایران هنوز برنامه‌ریزی تفصیلی برای جذب تدریجی هویتزهای اضافی انجام نداده است، تحلیل جاری ما از توانایی‌های آن برای جذب و آموزش خدمه و پشتیبانی این توپ‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها احتمالاً می‌توانند ظرف مدت چهار تا پنج سال هویتزهای درخواستی را جذب کنند.» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸: ۲۸۹). «ارتش ایران از نظر امکانات و آموزش در توان مقابله با تهدیدات داخلی را در حد خوب دارا است و در تهدیدات خارجی تاحدودی از سمت شوروی نگرانی دارند» (همان، ۲۹۶). نظارت دقیق بر روی فعالیت‌های نظامی برون مرزی ایران، نشان می‌دهد که هیچ اقدامی در ارتش ایران از دید آمریکایی‌ها پنهان نیست و این اشرافیت توسط عناصر و عوامل نفوذی آن‌ها در ارتش بدست آمده است. این مسئله به خوبی در گزارشی که در ۵ شهریور ۱۳۵۴ ش توسط سفارت آمریکا به وزارت خارجه این کشور ارسال شده است نشان داده می‌شود. «در این گزارش به مسئله انتقال تسلیحات امریکایی توسط ایران به برخی کشورهای دیگر منطقه - از قبیل اردن و پاکستان - اشاره شده و پیشنهاد شده است که ایالات متحده باید با ایجاد کنترل‌های بیشتر

در مورد کشورهای ثالث (کشورهایی که ایران به آنها سلاح می‌دهد) بر نفوذ و قدرت آمریکا در سطح منطقه بیفزاید» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۹: ۱۸۱). در نامه‌ای به سفیر کلاود جی. راس در مورد جاسوسی داخلی در ارتش ایران آمده است: «در مجموع در این ناحیه از لحاظ کارمندان مضیقه‌ای نیست. گزارشات جاسوسی برای بررسی یکپارچگی و کیفیت توسط مشاور و یا اگر باشد، توسط سطوح بالاتر تجدید نظر می‌شوند. یک مسئله که همچنان مورد علاقه ماست مربوط می‌شود به اطلاعات درباره جهت و فعالیت سیاسی ارتش ایران. اگر چه از طریق هیئت مستشاری ما و تیم‌های کمک عملیات فنی ارتباط وسیعی با نیروهای مسلح ایران داریم، ولی هنوز باید در پی اطلاعات مطلوبمان از لحاظ کیفی و کمی باشیم. ما در صدد هستیم این را از طریق یک برنامه سیستماتیک‌تر سؤال و جواب در پایان مأموریت از افسران منتخب بهبود بخشیم» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۹: ۱۳۰) در سند دیگری مأمور سیا که در سفارت آمریکا فعالیت داشته است در گزارش خود که محصول نفوذ اطلاعاتی در ارتش است می‌نویسد: «ارتش ایران قادر بوده‌اند که امنیت داخلی را برقرار کنند و تحت اغلب شرایط غیر از بی‌نظمی ملی سرتاسری قادر به این کار خواهند بود» (همان، ۴۲۲)

مدیریت خریدهای نظامی ایران

سفارت آمریکا با تحلیل و برآوردی که از وضعیت داخل کشور در حوزه‌های متعدد به خصوص میزان سرمایه دولت داشت برنامه فروش تجهیزات نظامی را تنظیم و به آمریکا ارسال می‌نمود که سند زیر یکی از همین نامه‌ها است، در واقع خریدهای نظامی صد در صد بر اساس خواست شاه نبود بلکه بر اساس نظر و برنامه سفارت و مسئولین آمریکایی تغییرات زیادی انجام می‌شد که این عمق نفوذ آمریکا بر روی شاه و ارتش ایران را نمایان می‌کند؛ «به منظور کمک به مدیریت برنامه خریدهای نظامی خارجی دولت ایران تا سقف مجاز انتقال تسلیحات، برنامه‌ای در ارتباط با خرید تسلیحات نظامی به همراه دلایل توجیهی آن تهیه شده است که ارایه می‌گردد. اطلاعات مربوط به قیمت‌ها و موجودی که در تهیه این برنامه مورد استفاده قرار گرفته بر اساس بهترین برآوردهای موجود در داخل کشور است» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸: ۲۲۱) برابر اظهارات سرتیپ آذربزین معاون

عملیات نیروی هوایی پهلوی؛ «سیستم حاکم بر خریدهای نظامی ایران فاسد بود، ما به جهت مقرون به صرفه بودن هواپیمای اف ۱۵ و ۱۶ را انتخاب می‌کردیم و مستشاران آمریکا با ملاقات حضوری با شاه اف ۱۴ که بر روی دستشان مانده بود و هزینه زیادی داشت را به ایران می‌فروخت، در واقع آمریکا به ما می‌گفت چای بخیریم و چای نخریم» (آذربزین، مصاحبه: ۲۰۰۹)

دخالت‌های شاه در امور ارتش

برابر اظهارات فردوست؛ شاه همه امورات ارتش را خودش شخصا پیگیری می‌کرد، فرماندهان ارتش تقریباً اختیاری نداشتند، همه عزل و نصب‌ها، ماموریت‌های مهم و ترفیع‌های بالا و... با نظر شخص شاه بود (فردوست، ۱۳۸۶: ۱۴۴). مسئله بسیار مهم دیگر که در ارتباط با حجم گسترده خریدهای تسلیحاتی وجود داشت، نظارت گسترده و همه جانبه محمدرضا شاه پهلوی بر فرآیند سفارش و خرید این تسلیحات بود. بنابراین بدون کسب اجازه و یا دستور از جانب وی، هیچگونه خرید تسلیحاتی انجام نمی‌گرفت. این مسئله توسط افراد مختلفی از قبیل فریدون جم - که یکی از نزدیک‌ترین افراد به دربار و خاندان سلطنتی پهلوی بوده است - مورد تایید قرار گرفته است و بنا به گفته وی «نه وزارت جنگ کنترلی داشت و نه ستاد بزرگ ارتش داران. اعلیحضرت بود و بانک مرکزی و ارتشبد طوفانیان و سفارت آمریکا. اصلاً ارتش اطلاعی نداشت...» (روبین، ۱۳۶۳: ۲۴۸)

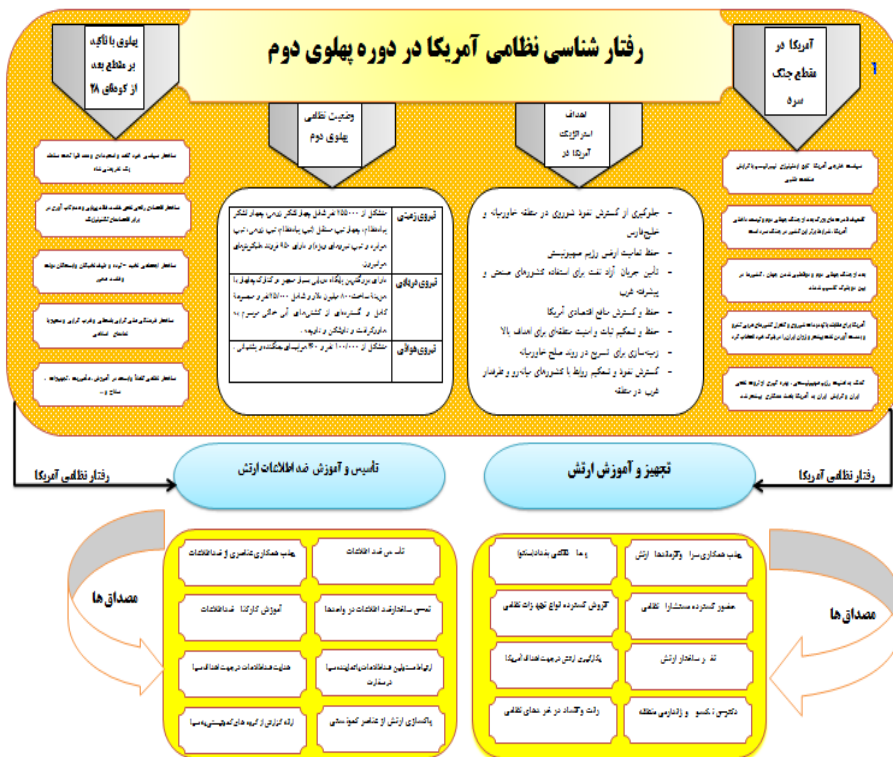
توصیه به توسعه ابعاد امنیتی در ارتش

در راستای تسلط بر نهادهای امنیتی ارتش ایران، وزارت امور خارجه آمریکا طی نامه‌ای به سفارت آمریکا در تهران اعلام می‌کند بایستی اعضای مستشاری نظامی توصیه به توسعه ابعاد امنیتی نیروهای مسلح را به‌عنوان گام اساسی پیگیری نمایند. اسناد لانه جاسوسی در این خصوص حاکیست؛ «هیئت مستشاری نظامی بایستی به تشویق و حمایت از توسعه بیشتر کلیه ابعاد و جوانب برنامه امنیتی نیروهای مسلح ادامه دهد. آموزش مسائل امنیتی در نیروهای مسلح باید به‌عنوان گامی اساسی در جهت اجرای مؤثر برنامه امنیتی با شدت

پیگیری شود» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶: ۶۳۸)

مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی رفتارشناسی نظامی آمریکا در دوره پهلوی دوم



نتیجه گیری و پیشنهاد

الف- نتیجه گیری: ساختار حکومت پهلوی به گونه‌ای است که همه قوا در حاکمیت به شخص شاه ختم می‌گردد لذا آمریکا با علم بر این موضوع اولین و سنگین‌ترین و پرهزینه‌ترین تسلط و مدیریت خود را بر روی شاه برنامه‌ریزی نموده و با توجه به ضعف‌های روان‌شناختی شاه و موقعیت متزلزل وی، نتیجه هم می‌گیرد لذا برای ورود به حوزه نظامی که همه داشته پهلوی به ارتش خلاصه می‌گردد با اطمینان از بخش کارگزار، عمده اقدامات آمریکا معطوف به ساختارسازی در ارتش می‌گردد. بنابراین دو محور ارتش و ضد اطلاعات در زیر مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرد:

۱: ارتش

برابر نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته از داده‌های تحقیق، آمریکا از طریق تجهیز و آموزش ارتش مدیریت نظامی در دوره پهلوی را پیگیری نموده است، تقریباً سی و پنج هزار مستشار نظامی^۱ در ارتش ایران خدمت کرده اند که عملاً جزو نیروهای مسلح ایران محسوب شده و به جزء شش نفر افسر ارشد بقیه حقوق بگیر دولت ایران بوده و حقوق، مزایا و هزینه ایاب و ذهاب و مخارج تحصیل فرزندان و همه از طرف دولت ایران پرداخت می‌گردید. علت این امر شخص شاه بود، شاه به این صورت از سه ناحیه احساس امنیت می‌کرد؛ اول از ناحیه شوروی و دوم از ناحیه مردم و سوم از کودتای نظامی، به عبارت دیگر شاه از شوروی و مردم و کودتای نظامی واهمه زیادی داشت و با جذب حداکثری مستشاران آمریکایی در ارتش در واقع به مقابله با این سه نگرانی می‌پرداخت. فروش گسترده تجهیزات نظامی به ایران در انواع مختلف باعث شده بود تا ایران به دپوی انواع سلاح‌های آمریکایی تبدیل شود و نظامیان ایرانی حتی با طرز کار برخی از تجهیزات آشنا نبودند. برابر آمار تایید نشده تعداد ۷ هزار نفر از ارتش ایران برای آموزش و دوره های نظامی به آمریکا اعزام شدند که عمده آن ها افسران خلبان بودند و تعداد کمی هم برای تعمیر و نگهداری و کار با تجهیزات نوین تحت آموزش تقریباً ابتدایی قرار گرفتند، حجم صادرات تسلیحات نظامی آمریکا به ایران در سال ۱۹۷۲م به رقم هفت میلیارد دلار رسید که در سطح دنیا بی سابقه بود. همین امر باعث شده بود شاه شصت درصد از درآمد کشور را به ارتش و خریدهای تسلیحاتی اختصاص دهد که نتیجه این سیاست، نامتوازن شدن وضعیت کشور به خصوص در حوزه اقتصادی و اجتماعی شده بود. برای استفاده از تجهیزات و تسلیحات جدید مستشاران زیادی وارد ارتش شده و آموزش‌های ارتش را تغییر دادند، کم کم با افزایش مستشاران قوانین ارتش هم دچار تغییر شد، مستشاران فرهنگ ارتش را هم دچار تزلزل کرده بودند اما بر روی ساختار و طرح‌های فنی خیلی متمرکز بودند و تقریباً خودشان کار می‌کردند و از ایرانی‌ها فقط نفراتی که با

۱. به جهت عدم ثبت آمار ورود و خروج مستشاران آمریکایی در زمان ورود به ایران و در زمان حضور در اماکن نظامی، آمار تقریبی می باشد.

آن‌ها هم فرهنگ و شبیه آن‌ها بودند را به جمع خود در پروژه‌ها راه می‌دادند به نحوی که از سال ۱۳۴۵ ش به بعد ساختار ارتش کاملاً تغییر یافته و منطبق بر ساختار ارتش آمریکا گردید. نحوه آرایش نیروها و یگان‌های ارتش در سطح کشور و مرزها بر اساس دکترین نظامی و دفاعی آمریکا چیده شد و استدلال شاه این بود آرایش ارائه شده از سوی آمریکا برای مقابله با جنگ احتمالی با شوروی مفید و کاربردی‌تر است. نیروی هوایی، دریایی و زمینی ارتش بنابر منافع و نظر آمریکا در سایر کشورها به مأموریت اعزام می‌شدند. تعدادی از پایوران و سربازان ارتش در این مأموریت‌ها جانشان را از دست دادند و استدلال شاه مقابله با تهدیدات کمونیسم شوروی بود در صورتی که اهداف آمریکا با جان سربازان ایرانی و تجهیزات و سرمایه‌های ایران تأمین می‌شد. همه امورات ارتش در حوزه انتصابات، خرید، آموزش، مأموریت و... صرفاً با هماهنگی شخص شاه انجام می‌گردید و فرماندهان ارتش عملاً فاقد هرگونه اختیاری در این زمینه بودند که نمونه بارز آن اظهارات سپهبد آذربرزین در خرید هواپیماهای اف ۱۴ از آمریکا می‌باشد. ضد اطلاعات با توصیه و اصرار آمریکا برای شناسایی عناصر وابسته به کمونیسم شوروی در ارتش تأسیس و راه‌اندازی شد و در هر واحد دارای یک شعبه بودند. در خصوص سوابق کمونیستی سایر کشورهای کمونیستی سابقه‌ای در ضد اطلاعات وجود نداشت مثل چین، عراق، هند و... که این موضع قابل تأمل است.

برابر اسناد موجود سازمان سیا پس از بازگشت مأموران نظامی خود از مأموریت مستشاری ایران همه آن‌ها را دقیقاً مورد مصاحبه اطلاعاتی قرار داده و در خصوص همه جزئیات یادشدگان را تخلیه اطلاعاتی می‌نمود این امر نشان می‌دهد سرویس اطلاعاتی ایالات متحده برای ایران اهمیت خاصی قائل است و تلاش می‌کند از هر طریقی پیرامون کشور هدف اطلاعات جمع آوری نماید و از سوی دیگر در این تخلیه اطلاعاتی‌ها به دنبال شناسایی عوامل مستعد برای جلب همکاری می‌باشد که این هم از نکات مورد تأمل است، آمریکایی که نزدیک به ۳۰ تا ۴۰ هزار مستشار در ایران داشت و هزاران مأمور اطلاعاتی با پوشش و بدون پوشش در سطح ایران فعال بودند و کل کشور در اختیار آن‌ها بود چرا باز به دنبال شناسایی عناصر مستعد برای بکارگیری در اهداف اطلاعاتی است.

یکی از پیمان‌های نظامی تحمیل شده به شاه از سوی آمریکا پیمان ستو است که پس از آن بر اساس این پیمان آمریکا تجهیزات و تسلیحات خیلی زیادی را به ایران فروخت تا جایی که صدای اعتراض برخی از فرماندهان نظامی برخاست که بعضی از این تجهیزات برای ایران کارایی ندارند. برخی از تجهیزات آنقدر بلااستفاده بود که خود شاه هم به طوفانیان گفته بود می‌دانم اف ۱۴ در برابر اف ۱۶ جنگنده قابل نیست لیکن چاره‌ای ندارم اگر اف ۱۴ نخریم شرکت سازنده اف ۱۴ ورشکست می‌شود و من این را نمی‌خواهم.

طرح نیکسون یکی از طرح‌هایی بود که باعث شد ارتش کاملاً در جهت اهداف و منافع آمریکا خدمت نماید، بعد از دریافت ژاندارمی منطقه از سوی شاه، آمریکا دستورات خود را برای رسیدگی به اهداف و منافعش با قدرت بر شاه مطرح می‌کرد، اعزام تجهیزات و نیروی انسانی سرباز و پایور به پاکستان، یمن شمالی، عمان، ویتنام و برخی مناطق دیگر از جمله این موارد است.

شاه به واسطه ترس همیشگی که از کودتا داشت ارتش را توسط مستشاران آمریکایی به هم ریخت، شاه به جای تکیه به ارتش ۱۵۰ هزار نفری خودش به ۳۰ هزار مستشار آمریکایی تکیه کرده بود، به عبارتی به این ۳۰ هزار بیشتر امید داشت تا ۱۵۰ هزار نفر، بنابراین شاه تلاش می‌کرد تعداد بیشتری مستشار در ارتش حضور داشته باشند و این را برای خودش نقطه قوت می‌دانست. از طرفی شاه خیلی تلاش کرد ارتش را در همه حوزه‌ها لباس، آموزش، مأموریت، آماد، تجهیزات و... آمریکایی نماید و تقریباً موفق شد زیرا ساختار ارتش صد در صد تغییر یافت لیکن آن چیزی که تغییر نیافته بود فکر سربازان و پایوران بود که او هم از همین نگرانی داشت.

۲: ضداطلاعات ارتش

برابر نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته از داده‌های تحقیق، آمریکا از طریق تأسیس و آموزش ضد اطلاعات ارتش، مدیریت نظامی در دوره پهلوی را پیگیری نموده است. بعد از شناسایی تعداد زیادی افسر ارتش وابسته به حزب توده با پیشنهاد و ابتکار سفارت آمریکا یک واحد اطلاعاتی و امنیتی در ارتش با عنوان ضداطلاعات ارتش توسط سازمان سیا پایه‌گذاری و تأسیس شد، پس از تشکیل واحد مرکزی، با آموزش

افسران واجد شرایط واحدهایی در هر لشکر و تیپ تشکیل و وظیفه آنان بررسی سوابق کارکنان یگان‌های تابعه از جهت هواداری یا عضویت در گروه های کمونیستی بود. ضداطلاعات ارتش در کوتاهترین زمان توانست تعدادی از افسران و درجه‌داران هوادار مرام کمونیستی را شناسایی و از ارتش پاکسازی نماید. در این شرایط ضداطلاعات به عنوان یک سازمان فعال در دست آمریکایی‌ها آماده هرگونه خدمات و همکاری با آنان بود که آمریکا از این سازمان برای تسلط بیشتر بر سران ارتش و کنترل عناصر کمونیستی بهره فراوان بردند.

ب-پیشنهادهات:

۱. چگونگی تسلط آمریکا در ساختار نظامی دوره پهلوی در شبکه‌های مستند سیما برای تبیین چهره واقعی آمریکا و پهلوی پخش گردد.
۲. بخش از استنادات رفتار نظامی آمریکا در شبکه های اجتماعی و اینترنتی توسط دستگاه های مسئول بارگزاری شود.

منابع

الف- فارسی

- آقايخشي، علي‌اکبر و افشاري‌راد، مينو (۱۳۸۶). *فرهنگ علوم سياسي*، تهران: چاپ دوم، ويرايش ششم.
- *اسناد لانه جاسوسي آمريکا*، جلد اول، دوم، سوم، چهارم و ششم، هفتم، هشتم، تهران: مطالعات و پژوهش‌های سياسي.
- اسدي، بيژن (۱۳۸۱). *خليج فارس و مسائل آن*، تهران: سمت.
- الوندي، رهام (۱۳۹۵). *نيکسون، کيسينجر و شاه*، ترجمه غلامرضا علي بابايي، تهران: پارسه.
- احمدي، هوشنگ (۱۳۷۲). *سياست خارجي منطقه‌اي ايران، اطلاعات سياسي و اقتصادي*، سال هفتم، شماره ۱۱.
- بيل، جيمز (۱۳۷۱). *شير و عقاب: روابط بد فرجام ايران و آمريکا*، ترجمه فروزنده برليان، تهران: فاخته.
- پيرهدي، محسن (۱۳۹۵). *ابعاد نفوذ آمريکا در ايران (۱۹۷۹-۱۹۵۳) و پيامدهاي آن در شکل‌گيري روابط دو کشور پس از انقلاب اسلامي*، دانشگاه علامه طباطبائي، رساله دکتری.
- رواساني، شاپور (۱۳۶۷). *جهان سوم چگونه غارت مي‌شود*، تهران: نشر شمع.
- رسولي، مجيد (۱۳۹۸). *بررسي روابط ايران با آمريکا در دوره نخست وزيري علي اميني*، تهران: فصلنامه پژوهش‌های علوم انساني، شماره ۳۴.
- رويين، باري (۱۳۶۳). *جنگ قدرت‌ها در ايران*، ترجمه محمود مشرقي، تهران: آشتياني.
- زونيس، ماروين (۱۳۷۰). *شکست شاهانه: روانشناسي شخصيت شاه*، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- سوليوان، ويليام؛ آنتوني، پارسونز (۱۳۷۲). *خاطرات دو سفير*، ترجمه محمود طلوعي، تهران: علم.
- شايان‌مهر، عليرضا (۱۳۷۹). *دايره‌المعارف تطبيقي علوم اجتماعي*، تهران: کيهان، چاپ اول.
- موسوي، حسين (۱۳۹۶). *هژمون‌گرایی منطقه‌اي ايران: بررسي رابطه حکومت پهلوي دوم و آمريکا*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائي.
- ميلاني، جميل (۱۳۹۳). *چرخش در سياست خارجي ايران در دهه بعد از کودتاي ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش (از موازنه منفي تا وابستگي)*، تهران، *فصلنامه سياست*، شماره ۴.

- میلانی، جمیل (۱۳۹۳). چرخش درسیاست خارجی ایران در دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش. *فصلنامه سیاست شماره ۴*
- محمدی، مهدی (۱۳۹۶). *ماهنامه معرفت*، سال ۲۶، شماره ۲۳۸.
- فردوست، حسین (۱۳۷۰). *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، تهران: موسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی.
- فرهادی، علی (۱۳۹۶). سناریوهای نفوذ نرم دشمن در نیروهای مسلح ج.ا.ا.، *فصلنامه آینده پژوهی دفاعی*، سال دوم، شماره ۵
- هویدا، فریدون (۱۳۷۳). *سقوط شاه*، تهران: انتشارات اطلاعات
- هیکل، محمدحسین (۱۳۶۲). *ایران روایتی که ناکفته ماند*، ترجمه حمید احمدی، تهران: الهام

○ مصاحبه

- عبدالله آذربزین، (۲۰۰۹). مصاحبه تاریخ شفاهی پهلوی. آمریکا
- امیرهوشنگ آریانپور، (۲۰۱۱). مصاحبه تاریخ شفاهی پهلوی. آمریکا
- علی نقی عالی خانی، (۲۰۱۱). مصاحبه تاریخ شفاهی پهلوی. آمریکا
- خلیل شجاعی، (۲۰۱۲). مصاحبه تاریخ شفاهی پهلوی. آمریکا
- منوچهر رزم آرا، (۲۰۱۲). مصاحبه تاریخ شفاهی پهلوی. آمریکا
- رضا جمشیدی، (۱۴۰۰). رفتار نظامی آمریکا در ایران، تهران
- علی نجف زاده، (۱۴۰۰). رفتار نظامی آمریکا در ایران، تهران
- نظامی بازنشسته علی رضاپور، (۱۴۰۰). رفتار نظامی آمریکا در ایران، تهران
- نظامی بازنشسته احمد محمودی، (۱۴۰۰). رفتار نظامی آمریکا در ایران، تهران
- رشید خلیلی، (۱۴۰۰). رفتار نظامی آمریکا در ایران، تهران

ب. منابع انگلیسی

۱. *Mojtahed Zadeh, Pirouz. (1990). Political Geography of Strait of Hormuz London, Soas, University of London.*
۲. *Sepehr & Chobin (1998), Foreign Relations of Iran: Developing State a Zone of Great Power Conflict*
۳. Zonis, marvin (1997). *Magestic failure: The Fall of the Shah*
۴. Kamrva, mehran (2007). *Revolution in Iran : Roots Turmoil*

COPYRIGHTS

۲۰۲۵ by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>